

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

**آیا امام زمان علیه السلام فرموده اند کتاب کافی برای شیعیان کافی است؟ (بررسی صحت عبارت الکافی کاف لشیعتنا)**

یکی از مطالبی که وهابیون به آن استناد می کنند و برخی عوام نیز آن را صحیح می دانند، قولی است منسوب به امام زمان علیه السلام که در مورد کتاب اصول کافی بیان می شود مبنی بر این که ایشان فرموده اند: " الکافی کاف لشیعتنا " یعنی کتاب اصول کافی برای شیعیان ما کافی است.

اما آیا این جمله واقعا از جانب امام زمان علیه السلام صادر شده است؟ صحت انتساب این قول به امام زمان علیه السلام در چه حدی است؟

ابتدا باید بگوییم که این کلام هرگز از خود شیخ کلینی (ره) (صاحب کتاب کافی) یا شاگردان ایشان یا افراد منتسب به ایشان صادر نشده است بلکه این عبارت را برخی از محققین کتاب کافی در مقدمه ی تحقیق خود در بعضی چاپ ها به عنوان حکایتی که در بین برخی مشهور شده است آورده اند.

به عنوان مثال، محققین در کتاب اصول کافی چاپ " دار الکتب الاسلامیة " می نویسند:

**و يعتقد بعض العلماء أنه عرض على القائم - صلوات الله عليه - فاستحسنه و قال: كافي لشيعتنا.**

الکافی، ج ۱ (مقدمه ی محقق)، ص ۲۵ ط دار الکتب الاسلامیة

و بعضی از علماء معتقدند که این کتاب بر امام زمان علیه السلام عرضه شده است و امام آن را تحسین نموده و فرموده اند: برای شیعیان ما کافی است.

نکته ی جالب آن که محقق کتاب در پاورقی در مورد این عبارت می نویسد:

**(۵) روضات الجنّات ص ۵۵۳ نقلا من منیة المرتاد و كأنها قصة روائية.**

الکافی، ج ۱ (مقدمه ی محقق)، ص ۲۵ پاورقی ط دار الکتب الاسلامیة

(۵) نقل شده از روضات الجنات ص ۵۵۳ به نقل از منیة المرتاد و گویا این عبارت یک قصه ی روایی است.

تا اینجا چند مورد برای ما مشخص می شود. یکی این که مطابق عبارت، "برخی علماء" چنین اعتقادی دارند. این که این علماء چه کسانی هستند و مبنای این اعتقادشان چیست برای ما مشخص نیست. چون صرف اعتقاد یک عالم برای ما حجیت نمی آورد. بایستی انتساب قول به معصوم ثابت گردد وگرنه این قول مورد اعتماد نخواهد بود. نکته ی دیگر این که مرحوم خوانساری این مطلب را در "روضات الجنات" به نقل از "منیة المرثاد" آورده و طبق قول محققین کتاب کافی یک قصه و حکایت روایی است! جالب آن که هیچ سندی هم برای این حکایت موجود نیست! نکته ی قابل توجه دیگر این که نه خود شیخ کلینی و نه هیچکدام از شاگردان ایشان و نه حتی تا ۷ قرن پس از وفات شیخ کلینی چنین لفظی و عبارتی در مورد کتاب کافی موجود نبوده است! به راستی اگر چنین کلامی از لسان مبارک امام زمان علیه السلام صادر شده بود، خود شیخ کلینی و یا شاگردان ایشان بایستی برای نشان دادن ارزش کتاب و اعتبار کتاب به آن استناد می کردند حال آن که تا هفت قرن پس از وفات شیخ کلینی اثری از این کلام نیست!

برخی از محققین بر این باور هستند که اولین نفری که این حکایت را نقل کرده، مولی خلیل قزوینی است که در ترجمه ی او در کتاب "ریاض العلماء" به این مطلب اشاره شده است:

و من أغرب أقواله القول بأن الكافي بأجمعه قد شاهده الصحاب (ع) و استحسنة و أن كل ما وقع فيه بلفظ روي فهو مروى عن الصحاب عليه السلام بلا واسطة.

ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۶۱

و از عجیب ترین اقوال او (مولی خلیل قزوینی) این است که امام زمان (ع) تمامی کتاب کافی را دیدند و تحسین نمودند و هر آن چه در کتاب کافی با لفظ "روی" نقل شده است، منقول از امام زمان (ع) به صورت بدون واسطه است.

ملاحظه می کنید که حتی "میرزا عبد الله افندی" مولف کتاب نیز از این قول "مولی خلیل قزوینی" متعجب است. البته برخی از محققین انتساب این قول به "مولی خلیل قزوینی" را صحیح نمی دانند و رد می کنند و دلیل قابل توجهی نیز برای خود دارند. دلیل این گروه از محققین آن است که "محدث استر آبادی" که شیخ و رئیس اخباریون در زمان خودش بود و پنجاه سال قبل از "مولی خلیل قزوینی" از دنیا رفته است، انتساب این عبارت به امام زمان

(ع) را رد کرده است. حال چگونه ممکن است که "مولی خلیل قزوینی" که او نیز اخباری مسلک است، قول رییس و شیخ اخباری مسلکان یعنی "محدث استر آبادی" را رد کند؟

نکته ی مهم تر این که حتی ما اگر انتساب این قول به "مولی خلیل قزوینی" را هم بپذیریم، باز هم برای ما چیزی ثابت نمی شود. چرا که برای ما معلوم نیست مولی خلیل قزوینی آن را از چه کسی یا کسانی نقل کرده است و سندی برای این قول موجود نیست.

برخی از محققین بر این باور هستند که یکی از احتمالاتی که ممکن است در صدور این جمله نقش داشته باشد، برداشت غلط و فهم نادرست برخی از عوام از حدیثی در کتاب "معانی الاخبار" شیخ صدوق رضوان الله علیه باشد که ما حدیث را برای شما نقل می کنیم:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَضَرْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ ع فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ عَنْ كَهَيْعِصَ فَقَالَ ع كَافٌ كَافٍ لِشِيعَتِنَا هَا هَادٍ لَهُمْ يَا وَلِيَّ لَهُمْ عَيْنٌ عَالِمٌ بِأَهْلِ طَاعَتِنَا صَادِقٌ لَهُمْ وَعَدَهُمْ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِمُ الْمُنْزِلَةَ الَّتِي وَعَدَهَا إِيَّاهُمْ فِي بَطْنِ الْقُرْآنِ.

معانی الاخبار، ص ۲۸ ط دفتر انتشارات اسلامی

همانطور که در قسمت مشخص شده ملاحظه می کنید، عبارت "کاف کاف لشیعتنا" از قول اما صادق علیه السلام در مورد حرف مقطعه ی "کاف" در "کهیعیص" صادر شده است و گروهی از محققین معتقدند که در گذر زمان در اثر فهم نادرست برخی عوام، این عبارت تبدیل شده به "الكافی کاف لشیعتنا" و به امام زمان (ع) نسبت داده شده است.

حال قصد داریم تا اقوال علمای بزرگ متاخر و متقدم شیعه را در این باب برای شما بیاوریم تا بطلان انتساب عبارت "الكافی کاف لشیعتنا" (کتاب کافی برای شیعیان ما کافی است) بهتر برای شما مشخص گردد:

علامه ی مجلسی رضوان الله علیه یکی از علمای بزرگ شیعه است که انتساب این قول به امام زمان صلوات الله علیه را باطل می داند:

و أمّا جزم بعض المجازفين بكون جميع الكافي معروضا على القائم عليه السلام لكونه في بلدة السفراء فلا يخفى ما فيه على ذی لب ...

مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲ ط دار الکتب الاسلامیة

بعضی از گزاره گویان با قاطعیت می گویند که تمام کتاب کافی بر امام زمان (ع) عرضه شده است زیرا کلینی در سرزمین نایبان آن حضرت بوده است اما نادرستی این کلام بر صاحبان عقل و خرد پوشیده نیست ... همانطور که ملاحظه می فرمایید، علامه ی مجلسی رضوان الله علیه قائلین به این کلام را گزاره گو و به دور از عقلانیت می داند.

میرزای نوری رحمة الله علیه از دیگر علمای بزرگ شیعه است که انتساب این قول به امام زمان را صریحاً رد می کند و نادرست می داند:

من أنه عرض على الإمام الحجة عليه السلام و انه قال عنه: «ان هذا كاف لشيعتنا» فبين انه لا أصل له و لا أثر في مؤلفات أصحابنا، و لم تأت به رواية قط لا صحيحة و لا ضعيفة، بل صرح المحدث الأسترآبادي - و هو شيخ الأخباريين في عصره - بأنه لا أصل له و لا حقيقة ...

خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹ ط مؤسسة آل البيت عليهم السلام

و این که کتاب کافی به امام زمان (ع) عرضه شده است و ایشان فرموده اند: " این کتاب برای شیعیان ما کافی است " اصل و اساسی ندارد و اثری از آن در کتب اصحاب ما نیست و هیچ روایتی نه ضعیف و نه صحیح در مورد آن نیامده است بلکه محدث استرآبادی، شیخ و رئیس اخباریون در زمان خودش، توضیح کرده که این کلام اصل و اساسی نداشته و حقیقت ندارد ...

همانطور که ملاحظه نمودید هم مرحوم میرزای نوری رحمة الله علیه و هم محدث استرآبادی (که از متعصبین در اخباری گری بوده است) انتساب این کلام به امام زمان علیه السلام را باطل دانسته و آن را رد می کنند علامه ی عسکری رضوان الله علیه در این مورد می نویسند:

قول مجهول قائله

أما ما قيل من أن المهدي (ع) قال: إن الكافي كاف لشيعتنا، فإنه قول مجهول راويه ولم يسم أحد اسمه، ويدل على بطلانه تأليف مئات كتب الحديث بمدرسة أهل البيت بعد الكافي مثل: من لا يحضره الفقيه، ومدينة العلم والتهذيب والاستبصار والبحار ووسائل الشيعة وجامع أحاديث الشيعة، إلى غيرها.

سخنی که گوینده ی آن مجهول است

اما آن چه گفته شده که حضرت مهدی (ع) فرموده اند : کتاب کافی برای شیعیان ما کافی است، سخنی است که گوینده ی آن مجهول است و کسی نام او را ذکر نکرده است و تالیف صد ها کتاب حدیث در مکتب اهل بیت بعد از کتاب کافی مثل " من لا یحضره الفقیه، مدینة العلم و " التهذیب " و " الاستبصار " و " بحار الانوار " و " وسائل الشیعة " و " جامع احادیث الشیعة " و غیر از آن دلالت بر بطلان این قول دارد.

استدلال علامه ی عسکری (ره) نیز در نوع خود محکم و قابل توجه است. اگر چنین قولی از جانب امام زمان (ع) صادر شده بود، دیگر نیازی نبود تا علمای شیعه کتب حدیثی دیگری را تالیف کنند و به جای آن به شرح و تفسیر اصول کافی می پرداختند اما همانطور که در بالا اشاره کردیم، تا هفت قرن پس از وفات شیخ کلینی اصلاً چنین قولی وجود خارجی هم نداشته است و طبق نظر برخی از محققین انتساب این قول به مولی خلیل قزوینی نیز باطل است. (در بالا به آن اشاره کردیم)

همچنین شیخ علی آل محسن از علمای معاصر در کتاب " لله ثم للحقیقة " این گونه می نویسد:

وأقول: أما أن كتاب الكافي من أهم المصادر الشيعية فهو صحيح، وأما أنه موثق من قبل الإمام المنتظر عجل الله تعالى فرجه الشريف فهو غير صحيح، لأن ذلك لم يثبت عنه بسند معتبر، وإنما هو كلام قيل، ولا أصل له. والمذكور في مقدمة الطبعة الجديدة من كتاب الكافي للدكتور حسين علي محفوظ هو أن بعض العلماء يعتقد أن الكافي عرض على القائم عليه السلام فاستحسنه، وقال: كافٍ لشيعتنا. وهو خبر ضعيف بالإرسال، بل هو باطل في نفسه، لأن كتاب الكافي ليس كافياً للشيعة، ولهذا اعتنى العلماء بغيره من كتب الحديث الأخرى المكتملة له، وهذا أمر معلوم غير قابل للإنكار.

لله و للحقیقة، ج ۲، ص ۵۷۵ و ۵۷۶

و من (شیخ علی آل محسن) می گویم : این که کتاب اصول کافی از مهم ترین مصادر شیعه است صحیح است اما اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف آن را تایید کرده اند صحیح نیست. چرا که این با سند معتبر ثابت نشده است و کلامی است که گفته شده و اصل و اساسی ندارد و در مقدمه ی چاپ جدید کتاب کافی دکتر حسین علی آمده که برخی علما معتقدند کتاب کافی بر امام زمان (ع) عرضه شده است و ایشان آن را تحسین کرده اند و فرموده اند برای شیعیان ما کافی است. و این خبری ضعیف و مرسل بلکه باطل است چرا که کتاب کافی برای

شیعیان کافی نیست و به همین دلیل علماء به تالیف کتب دیگر برای تکمیل این کتاب پرداختند و این امری است مشخص که جایی برای انکار ندارد.

نتایج:

۱. مرحوم شیخ کلینی رضوان الله علیه و شاگردان ایشان هرگز سخنی در مورد عرضه ی کتاب کافی بر امام زمان یا تایید کتاب از جانب امام زمان یا کافی دانستن کتاب برای شیعیان از جانب امام زمان (ع) نگفته اند. همچنین تا هفت قرن پس از وفات شیخ کلینی نیز چنین کلامی در میان نبوده است.

۲. عبارت "کاف لشیعتنا" در مورد کتاب کافی را برخی محققین کتاب کافی در مقدمه ی تحقیق خود در کتاب کافی آورده اند و غالباً آن را از کتاب "روضات الجنات" که خود آن را از "منیة المرتاد" نقل کرده است آورده اند و اصل این قضیه یک داستان است و هیچ سندی چه صحیح و چه ضعیف ندارد.

۳. برخی از محققین معتقدند اولین کسی که این عبارت را بیان کرده است، "مولی خلیل قزوینی است" اما برخی از محققین انتساب این قول به "مولی خلیل قزوینی" را صحیح نمی دانند و رد می کنند.

۴. محدث استرآبادی (از شیوخ اخباریون)، علامه ی مجلسی (ره) و میرزای نوری (ره) از جمله ی علمای متقدم هستند که انتساب این قول به امام زمان علیه السلام را باطل می دانند.

۵. علامه ی عسکری رضوان الله علیه و شیخ علی آل محسن از جمله ی علمای معاصر هستند که انتساب این قول به امام زمان علیه السلام را باطل می دانند.

واحد ادیان، فرق و قومیت های جنبش مضاف (افق)